

درآمدی بر ابعاد مفاسد و جرایم اقتصادی و پیامدهای آن بر امنیت ملی

سرهنک علی اکبر زمانی عضو هیئت علمی دانشگاه انتظامی ناجا

تاریخ دریافت: ۸۸/۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۸۸/۶/۲۱

چکیده

یکی از کارکردهای مهم و اجتناب‌ناپذیر دولت‌ها، ساماندهی اوضاع اقتصادی جامعه و تنظیم وضعیتی است که عموم مردم بتوانند متناسب با شأن خود و به دور از دغدغه‌های ناامیدکننده به انتظارات مورد نظر خود دست یابند. مفاسد و جرائم اقتصادی از مواردی است که دارای ابعاد و مظاهری در جوامع است که تأثیری مستقیم در ناکارآمد کردن سازوکارهای دولت در تنظیم جریان اقتصاد در عرصه فردی و اجتماعی دارد. مباحث اقتصادی علی‌رغم ماهیت پولی و مالی آن، در مطالعات سیاسی و امنیتی به شکل فزاینده‌ای گسترش یافته است. بنابراین تصور جامعه و جهانی امن بدون توجه به کارکردهای اقتصاد و روابط اقتصادی، بیهوده و تحقق‌ناپذیر می‌نماید. این موضوع برخی را بر آن داشته تا اذعان نمایند بعد اقتصادی مهمترین بعد تهدید امنیت ملی است. یکی از آسیب‌هایی مهم که امنیت اقتصادی کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد، پدیده فساد و جرم اقتصادی است. این موضوع به خصوص در کشورهایی که دارای اقتصاد رانتی هستند، دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مفاسد و جرایم اقتصادی که از یک سو ناشی از تهدیدات عوامل و عناصر خارجی و از سوی

دیگر ناشی از ناکارآمدی مدیریت اقتصاد داخلی است، اغلب منجر به بروز فقر، محرومیت و عقب‌ماندگی می‌گردد.

برخی مفاسد و جرائم کلان اقتصادی عبارتند از: دریافت تسهیلات غیر مجاز بانکی، عدم ایفای تعهدات پس از دریافت تسهیلات بانکی، تبانی و اهمال در نظارت بر اعطای تسهیلات بانکی و نظارت بر عدم انحراف آنها، پولشویی، رشا و ارتشاء، اختلاس (بویژه در نزد مدیران ارشد دستگاه دیوانسالاری و دیوانسالاران)، و... که خود سبب بروز حجم بسیاری از جرائم کوچکی است که توسط مجرمان خرده پا بروز می‌یابد. در صورت توسعه و گسترش چنین وضعی جامعه سازوکارهای منسجم خود را از دست داده، دچار بحران‌هایی چون توزیع، مشارکت و مشروعیت خواهد شد آنگاه امنیت ملی کشور به‌طور جدی دچار تزلزل می‌شود.

کلید واژه:

جرائم اقتصادی، امنیت اقتصادی، امنیت ملی، تهدیدات، آسیب‌پذیری، کارکرد گرای،

مقدمه

امروزه یکی از کارکردهای مهم و اجتناب‌ناپذیر دولت و حاکمیت، ساماندهی اوضاع اقتصادی جامعه و ایجاد شرایطی است که توده‌های مردم به نحوی منطقی بتوانند فارغ از دغدغه‌های طاقت‌فرسا به انتظارات مورد نظر خود دست یابند و در این عرصه با کمترین مشکلات مواجه شوند. بروز هرگونه مشکل بفرنجی که لطمات قابل توجه به توانمندی آحاد جامعه برای تامین مطالبات خود وارد نماید تحمل‌پذیر نبوده موجب تراکم نارضایتی و سرخوردگی در جامعه شده و در صورت غفلت از بکارگیری سازوکارهای مهار آن، بسرعت گسترش می‌یابد که گاهی آثار آن غیر قابل پیش‌بینی است. مفاسد و جرائم اقتصادی دارای ابعاد و مظاهری در جوامع است که تأثیر مستقیم در ناکارآمد کردن سازوکارهای دولت در تنظیم جریان اقتصاد در عرصه فردی و اجتماعی دارد. این پدیده نقش بی‌بدیلی در امنیت اقتصادی جامعه داشته و در صورتی که آسیب‌های آن توسط مدیریت کلان اقتصادی بطور مستمر رصد و کنترل نشود بسرعت به

مسئله ای ملی تبدیل شده و هزینه‌های اجتناب ناپذیری به دنبال خواهد داشت. ما در این مقاله به دنبال دستیابی به سه هدف کلی هستیم. اولاً سعی کرده ایم مفاهیم و اصطلاحات موجود در این زمینه را کالبد شکافی نماییم. ثانیاً شمایی کلی و اجمالی از نوع جرایم و مفاسد و مجرمین و مفسدین کلان اقتصادی که در بررسی‌های پلیسی شمارش شده است را به نمایش بگذاریم. ثالثاً برخی از آثار و تبعات جرایم و مفاسد مذکور بر امنیت اقتصادی و ملی را تبیین نماییم. بدین منظور تلاش نمودیم با استفاده از روش اسنادی و بهره‌گیری از تجارب پلیسی به کالبد شکافی موضوع مورد نظر بپردازیم.

بیان مسئله

کارکرد اقتصاد در حوزه امنیت- اعم از امنیت ملی و فراملی- به نحو چشمگیری برجسته، و به واقعیتی انکار ناپذیر تبدیل گردیده است. مباحث اقتصادی علی‌رغم ماهیت پولی و مالی آن، در مطالعات سیاسی و امنیتی به شکل فزاینده‌ای گسترش یافته و در هم تنیدگی آن با مقولات مذکور به حدی است که مفهوم اقتصاد سیاسی به یک اصطلاح رایج و فراگیر در بین محققان و نویسندگان تبدیل شده است. برخی تحلیلگران راهبردی معتقدند بعد اقتصادی امنیت ملی چنان تغییراتی یافته است که جای بعد نظامی را گرفته و به تدریج به عنوان نقطه مرکزی، درآمدی است (ماندل، ۱۳۷۹: ۷۳) بنابراین تصور جامعه و جهانی امن بدون توجه به کارکردهای اقتصاد و روابط اقتصادی، بیهوده و تحقق ناپذیر می‌نماید. این موضوع برخی را بر آن داشته تا اذعان نمایند بعد اقتصادی مهمترین بعد تهدید امنیت ملی است (عیوضی، ۱۳۸۶: ۴۹). در باره ارتباط میان مفاهیم اقتصاد و امنیت مباحث بسیار متنوعی به رشته تحریر در آمده است که نشان از ارتباطی استوار میان این دو مولفه دارد. بوزان امنیت اجتماعات بشری را شامل امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی دانسته، معتقد است این پنج بخش در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر حوزه امنیت را متاثر می‌سازند. (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴) برخی محققان اهمیت بعد اقتصادی امنیت ملی را روز افزون دانسته معتقدند نزاعها، کشمکشها و حتی جنگهای کوچک و بزرگ با اهداف اقتصادی آغاز می‌شوند (ربیعی، ۱۳۸۳:

۱۳۹۰). عده ای دیگر بر این باورند که بخش اعظم مسائل سیاسی هر کشور حول رفاه و رونق اقتصادی می‌چرخد و جستجوی رفاه ملی همراه برداشتهای سنتی از امنیت، یکی از مسائل سیاست عالی یا دیپلماسی در بالاترین سطح آن است. (تری تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۷۳) به این صورت آنان بر تعامل فزاینده این دو مفهوم و بویژه تاثیر مثبت اقتصاد در حوزه امنیت‌سازی تأکید می‌نمایند.

این مطلب در مورد برخی از کشورها، بخاطر مدیریت ضعیف و ناکارآمد دولتهای حاکم، و نفوذ فساد در لایه‌های مختلف ساختار و سازمان اداری آنها، جنبه منفی به خود گرفته و امنیت اقتصادی آنان را با تهدیدات و مخاطرات جدی مواجه ساخته است. یکی از آسیب‌هایی مهمی که امنیت اقتصادی این کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد، پدیده فساد و جرم اقتصادی است. این موضوع به خصوص در مورد کشورهایی که دارای اقتصاد رانته هستند دارای ابعاد و مظاهر آشکارتری است. زیرا این کشورها از یک سو دارای منابع زیر زمینی خدادادی هستند که بدون هیچ زحمتی آنان را صاحب ثروتهای فراوان نموده و از سوی دیگر این منابع بواسطه مالکیت عمومی، در اختیار دولت و کارکنان دولتی که هیچ رابطه مالکیتی بین آنها و منابع مورد نظر وجود ندارد، قرار گرفته است. مع الوصف این فضا شرایطی را فراهم آورده است که عواید ناشی از فروش منابع مزبور به دلایل مختلف، یا از سوی افراد سود جو، غافل و ناشایست دولتی یا بواسطه تبانی این قشر با سایر افراد و گروههای سیاسی، اجتماعی،... مورد تعرض قرار گیرد. این منابع، علیرغم وجود دستگاههای نظارتی تعریف شده، از گزند متجاوزین مصون نبوده و گاهی اوقات دستگاههای مذکور نیز آلوده به مفاسد و جرایم مرتبط با این موضوع می‌شوند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که پدیده فساد و جرم اقتصادی ابتدا امنیت اقتصادی جوامع را متاثر می‌سازد و سپس حوزه امنیت ملی را مورد تهدید قرار می‌دهد. بدین صورت که مفاسد و جرایم مذکور پس از آنکه به شکل تبعیض و بی عدالتی فراگیر بروز یافت، منجر به از بین رفتن مشروعیت که یکی از شاخصهای مهم و کلیدی امنیت ملی است، می‌شود. بنابراین برای درک ارتباط بین مفاسد و جرائم اقتصادی و امنیت ملی، لازم است پس از تبیین مفاهیم فساد و جرم اقتصادی، مفهوم امنیت اقتصادی مورد کنکاش و کالبد شکافی قرار گیرد تا بدین وسیله میزان

تأثیر مفاسد و جرایم اقتصادی در امنیت یا ناامنی ملی ادراک شود. لذا در این مقاله بدنبال پاسخ به این سؤال هستیم که مفاسد و جرائم اقتصادی چگونه امنیت اقتصادی و از آن طریق حوزه امنیت ملی را متاثر می‌سازند؟ دستیابی به پاسخ سؤال اصلی پس از تعیین مقصود ما از برخی مفاهیم مرتبط، مستلزم بررسی نسبتاً مفصل پیرامون سؤالات و موضوعات ذیل است:

۱) مهمترین تهدیدها و آسیب پذیریه‌های امنیت اقتصادی چیست؟

۲) مهمترین مصادیق فساد و جرم اقتصادی چیست؟

۳) مهمترین ویژگی‌های شخصیتی مجرمان اقتصادی شامل چه مواردی است؟

۴) مهمترین عوامل شکل‌گیری مفاسد و جرائم اقتصادی چیست؟

۵) کارکرد فساد و جرم اقتصادی بر امنیت اقتصادی و امنیت ملی چیست؟

تعریف مفاهیم :

فساد و جرم اقتصادی:

موضوع فساد و جرم اقتصادی در متون مختلف به شکل‌های متنوعی مورد بررسی قرار گرفته و اغلب از آن با عنوان فساد و جرم مالی یاد نموده و آنرا مترادف با این واژه می‌دانند. تفاوت جرم با فساد از آنجا نشأت می‌گیرد که برای جرم، قانون مجازات تعیین شده است ولی معیار اثبات فساد وجود مجازات قانونی نیست بلکه انحراف از اخلاق و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی، ملاک تعریف فساد است. در ضمن چون مفاسد و جرائم اقتصادی بواسطه رفتارهای متقلبانه و تبانی کارکنان دولتی بوقوع می‌پیوندد، برخی پژوهشگران را واداشته تا آنرا در چارچوب فساد اداری ارزیابی نمایند. خضری در این باره می‌نویسد: در ساده‌ترین برداشت، فساد اداری به مفهوم فروش مالکیت دولتی یا بهره‌برداری از اموال عمومی توسط بروکراتهای دولت در راستای انتفاع خود یا خویشان‌شان می‌باشد. او همچنین می‌نویسد: در نظام اداری هر کشوری مجموعه‌ای از قوانین و ضوابط مدون اداری وجود دارند که چارچوب فعالیت‌های مجاز بروکراتها را تعیین می‌کنند، در این صورت هرگونه رفتاری که مغایر با این قوانین و مقررات باشند و انگیزه ارتکاب

آنها انتفاع فردی بروکراتها یا دوستان آنها باشد فساد اداری محسوب خواهد شد. (خضری، ۱۳۸۱: ۶) بنابراین فساد در مجموعه فعل و انفعالات مدیریت بر اموال و دارایی‌های عمومی که در اختیار مدیران و کارکنان دولتی است، ظهور و بروز می‌یابد. در تعریف فساد و جرم اقتصادی مباحث زیادی مطرح شده است که به اختصار در ذیل می‌آید:

فساد مالی و اقتصادی عبارت است از کلیه رفتارها و سؤ رفتارهایی که موجب اختلال در نظم اقتصادی یا عملکرد بهینه مراکز اقتصادی در مقیاس‌های مختلف از واحدهای کوچک گرفته تا اختلال در اقتصاد کشور می‌شود. (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۱۳۸)

پژوهشگران، فساد مالی را به عنوان یک رابطه خاص بین حکومت و جامعه تعریف کرده و آنرا به عنوان یک سازوکار «نشت از بالا»، «یا توزیع مجدد رو به پایین» دسته‌بندی کرده‌اند. اما از لحاظ همنشینی فساد قدرت با فساد مالی، عملاً این دو مفهوم به هم نزدیک گشته و حالتی جدایی‌ناپذیر پدید آورده‌اند. علاوه بر محافل آکادمیک، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی نیز برای دستیابی به یک تعریف و مفهوم منسجم تلاش‌هایی را صورت داده‌اند. بانک جهانی نیز فساد مالی را «سوء استفاده از قدرت و اختیارات دولت به منظور تأمین منافع شخصی» تعریف کرده است. (شفیعی خورشیدی، ۱۳۸۶: ۴) برخی دیگر جرم اقتصادی را شامل جرایمی می‌دانند که با انگیزه مادی و با ماهیت فعالیت‌های اقتصادی، یعنی فعالیت‌های مالی و پولی، دادوستد داخلی و خارجی، استفاده از منابع بدون مجوز، رشوه ستانی، کمیسیون‌گیری، اعطای تسهیلات غیر قانونی به نفع خود یا دیگران صورت می‌گیرد. (عشماوی، ۱۳۸۶: ۱۷)

امنیت ملی:

نویسندگان و اندیشمندان علوم سیاسی و امنیتی در تبیین مفهوم امنیت ملی مطالب متنوعی مطرح نموده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. برخی معتقدند امنیت ملی حالتی است که ملتی فارغ از تهدید از دست دادن تمام یا بخشی از جمعیت، دارایی، یا خاک خود به

1 - national security

سر برد. (علی بابائی، ۱۳۸۲: ۱۰۵) برخی در تعریف این واژه می‌نویسند: امنیت ملی، منافع ملی و صیانت ذات کشور همگی متوجه یک پدیده و معنا هستند و آن حفظ وجود خود می‌باشد و منظور از حفظ وجود خود عبارت است از حفظ هویت مادی و معنوی شامل ارزشهای ملی در برابر تجاوز و تهدید به تجاوز. این ارزشها شامل حفظ ارزش‌های دینی، حفظ جان مردم، حفظ تمامیت ارضی، حفظ سیستم‌های سیاسی و اقتصادی، حفظ استقلال می‌باشد. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۴۴) مانند در این باره می‌نویسد: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جز مسئولیت حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. (ماندل، ۱۳۷۹: ۵) امنیت ملی یعنی اطمینان از عدم تهاجم، اطمینان از عدم شکست در صورت تهاجم، و اطمینان از عدم نابودی در صورت شکست از تهاجم. (تاش، ۱۳۸۵) ربیعی در تبیین مفهوم امنیت ملی می‌نویسد: امنیت ملی یعنی توانایی یک ملت برای پیگیری موفقیت‌آمیز منافع ملی خود، در هر جای دنیا به همان نحوی که خودش آنها را می‌بیند. (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۲) بنابراین به نظر می‌رسد هر یک از تعاریف فوق به بخشی از ابعاد امنیت ملی اشاره دارند و قادر به ارائه تعریفی جامع و مانع از مفهوم امنیت ملی نیستند.

امنیت اقتصادی^۱:

امنیت اقتصادی به میزان حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی اطلاق می‌شود. (ماندل، ۱۳۷۹: ۱۰۷)

تهدید^۲:

تهدید از نظر لغوی به معنی ترساندن، بیم دادن و بیم عقوبت دادن (عمید، ۱۳۶۳: ۴۷۶)

1 - economic security

2-threat

است. اما معنای آن در حوزه مطالعات مختلف بویژه امنیت ملی تا حدودی مبهم و متفاوت است. ابهام در مفهوم تهدید به علت انتزاعی بودن آن است. مفهوم تهدید چون امری ذهنی و روانی است، فرآیند تصور و ادراک آن کاملاً پیچیده است، به گونه‌ای که تعریف آن به آسانی صورت نمی‌پذیرد و در نتیجه سبب ایجاد تفاوت‌های نظری می‌گردد. (مفهوم‌شناسی امنیت، ۱۳۷۸: ۱۲۰) به هر حال برخی پژوهشگران تهدید را شامل خطراتی می‌دانند که در محیط پیرامون سازمان وجود دارد و ممکن است منجر به بروز آسیب در داخل سازمان گردد. آنها تعاریف دیگری بشرح ذیل از تهدید ارائه داده‌اند:

- فشار منفی که از خارج وارد می‌شود.
- ایجاد اختلال در توانایی یک واحد برای دسترسی به اهداف
- افزایش احتمالی منابع خطر
- مجموعه اقداماتی که در یک دوره کوتاه، خطر افت کیفیت زندگی مردم یک ملت را پیش می‌آورد. (ره پیک، ۱۳۸۵)

در تعریف دیگری از تهدید آمده است: قابلیت‌ها، نیات و گاه اقدام دشمنان بالقوه و بالفعل برای ممانعت از دستیابی موفقیت آمیز خودی به علایق و مقاصد امنیت ملی به نحوی که ثبات سیاسی و امنیت ملی کشور به خطر افتند. (نوروزی، ۱۳۸۵: ۲۷۶) برخی نیز تهدید را عاملی می‌دانند که مانع رشد و حرکت و بالندگی سازمان می‌شود به عبارت دیگر عوامل بالقوه ای است که هنوز بالفعل نشده است (دوستیاری و نوربخش، ۱۳۸۵: ۹۹) به نظر می‌رسد وجه مشترک آنچه در تعاریف تهدید آمده آن است که اغلب دو ویژگی « بالقوه» و « خارجی بودن» از مهمترین جنبه‌های تهدید است.

ضعف^۱ یا آسیب پذیری^۲:

ضعف در لغت به معنای سستی و ناتوانی (عمید، ۱۳۷۶: ۱۳۸۳) آمده و در اصطلاح به کاستی

1- weakness

2 -vulnerability

هایی که در سازمان وجود دارند و توان آن را در انجام وظایف یا مأموریتش کاهش می دهند. (mgt solution) تعبیر شده است. آسیب نیز در لغت به معنی آزار، گزند، درد، رنج،... (عمید، ۱۳۷۶: ۳۵) تعریف شده و در اصطلاح به میزان حساسیت یک ملت در مقابل هراقدام یا هرابزاری که موجب تقلیل تواناییها و اراده ملی تضمین کننده امنیت ملی می شود (نوروزی، ۱۳۸۵: ۵۸) آمده است.

در مطالعات سیاسی و اجتماعی، و بویژه مدیریت راهبردی معمولاً از مشکلات و نابسامانیهای موردی و ساختاری موجود در درون جوامع که هنوز فراگیر نشده و در سطح محدود مدیریت و سامان اجتماعی را آزار می دهد به عنوان نقاط ضعف یا آسیب پذیری یاد می شود.

مبانی نظری

موضوع کارکرد از مباحثی است که به لحاظ اهمیت از سال ها قبل مورد توجه علمای علوم اجتماعی بویژه جامعه شناسان بوده است. شاید یکی از دلایل برجسته شدن مفهوم کارکرد و تفکر کارکرد گرایی در جهان غرب، ظهور نگاه پراگماتیستی در عرصه اجتماع و رشد عقلانیت ابزاری در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی و شکل گیری عصر رنسانس باشد که تولد مکتب کارکرد گرایی را در پی داشته است..

در این رویکرد سودمندی در معنای اقتصادی و نقش پذیر بودن به معنای اجتماعی آن اساس توجه به پدیده های اجتماعی را شکل می دهد. جامعه شناسان بر این باورند که بنیان کارکرد گرایی بر این واقعیت استوار است که کلیه سنن و مناسبات و نهادهای اجتماعی دوام و بقایشان به کار یا وظیفه ای بستگی دارد که در نظام اجتماعی یعنی کل برعهده دارند. (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۱۲)

مفهوم دیگری که در مکتب کارکرد گرایی مورد نظر دانشمندان جامعه شناسی در این رویکرد بوده است، پاسخگویی به یکی از نیازهای اجتماعی از سوی پدیده ها و ساخت های اجتماعی است. سؤال دور کیم در تحلیل کارکردهای اجتماعی این است که یک ساختار معین چه نیازی را برای یک نظام گسترده تر برآورده می سازد. (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۲۲) لذا مسئله تنها به اثربخشی

و کارکرد ختم نمی‌شود بلکه کارکردها باید ناظر بر رفع نیازی در جامعه باشند. ویژگی بارز دیگر در رویکرد کارکردگرایی که در تحلیل و ارزیابی نهادهای اجتماعی مورد توجه اندیشمندان واقع شده است، نوع کارکرد ساخت‌های اجتماعی است؛ زیرا نمی‌توان همه عناصر موجود در یک ساخت را دارای کارکرد مثبت دانست. برخی از اصحاب این فکری در این باره معتقدند، ما در هر نظام به وجود سه عنصر یا دارای آثار و نتایج مناسب... ضد کارآیا عناصر غیرموجه... که حتی در جهت تخریب وحدت عمل می‌کنند و بالاخره عناصر بیکار که فاقد اثر و نتیجه در نظام بوده و کارکردی برعهده ندارند، پی می‌بریم. (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۲۲)

برخی دیگر از نظریه‌پردازان این چارچوب فکری، از کارکردهای پیدا و نهان نهادهای اجتماعی سخن گفته، بین کارکردها تمایزی قائل شده‌اند که در تحلیل کارکردی اهمیت بسزایی دارد، و آن وجود کارکردهای آشکار و پنهان است. (توسلی، ۱۳۶۹: ۲۲۲) آنان بر این تأکید دارند که ساخت‌های اجتماعی به موازات آثار آشکاری که از خود به جای می‌گذارند، پیامدهای به ظاهر نامحسوسی در نظام اجتماعی دارند که در یک تحلیل منطقی و موشکافانه قابل شناسایی هستند.

آنچه در این مبحث به عنوان بخشی از ویژگی‌های متکب کارکردگرایی ذکر کردیم، می‌تواند چارچوب مفیدی برای تحلیل کارکرد جرایم و مفاسد اقتصادی بر امنیت ملی باشد.

مهمترین تهدیدها و آسیب‌پذیریهای امنیت اقتصادی :

اصولاً در حوزه مطالعات اقتصادی و امنیتی اصولاً ابتدا وجهی از امنیت اقتصادی متصور است و آنگاه برای آن تهدیداتی را برمی‌شمارند. لذا تصور وجود تهدیدها اقتصادی وجه پسینی مفهوم امنیت اقتصادی است. بطور طبیعی ثبات و نظم اقتصادی موجود در فعالیتهای پولی و مالی جوامع که از آن به امنیت اقتصادی یاد می‌شود، به دلایل فراوانی مورد تعرض عوامل مخلّ، از انواع مختلف قرار می‌گیرد که هریک دارای ویژگی‌های گوناگون هستند.

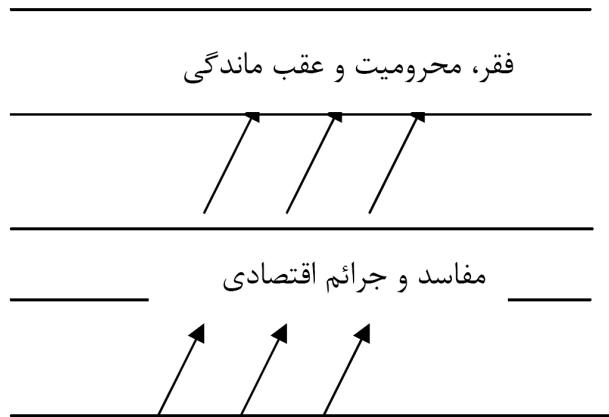
اگر تعریف ماندل را از امنیت اقتصادی که در بالا گفته شد، یک تلقی نسبتاً مناسب بدانیم، بنابراین هر عاملی که این نظم مفروض را به مخاطره بیندازد و یا در صدد برهم زدن وضعیت

مزبور باشد، ممکن است تهدیدی بالقوه برای امنیت اقتصادی باشد. بوزان تهدیدهای اقتصادی را سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدات در چارچوب امنیت ملی (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۴۸) دانسته، اضافه می‌نماید تهدیدها اقتصادی تنها ناشی از تدابیر خارجی نبوده و عدم کارایی مسئولان مدیریت امور اقتصاد ملی نیز در آن مؤثر است. در ادامه به منظور کاوش دقیقتر تهدیدات و آسیب پذیربهای امنیت اقتصادی برخی از مهمترین آنها را بطور جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

همانگونه که در تعریف آمد تهدیدها اغلب بالقوه و ناشی از عوامل محیط خارجی است و با وجود این، تهدیدها تحقق نخواهد یافت مگر به آماده شدن بستر آنها در محیط داخل که از آنها به نقاط ضعف یا آسیب پذیری یاد کردیم.

یکی از نقاط آسیب پذیر کلیدی که منجر به فساد و جرم اقتصادی می‌شود جابجایی در مصالح فردی و اجتماعی است به نحوی که برخی افراد منافع شخصی خود را بر منافع و مصالح جمعی مقدم بدانند. در همه مکاتب نظری اقتصاد، به مصالح فرد و جمع توجه شده است که هر یک رویکرد متفاوتی به موضوع دارند. خلیلیان در تبیین دیدگاه نظام اقتصادی اسلام در این زمینه می‌نویسد: از نظر اسلام... در تعارض بین مصالح فرد و جمع، مصالح جمع اولویت دارد. (خلیلیان، ۱۳۸۴: ۳۰۸) این معنا زمانی تحقق خواهد یافت که کارکنان دولت و سایر عناصر مرتبط با منابع دولتی، که مسئولیت مدیریت بر اموال و دارایی‌های عمومی را در اختیار می‌گیرند، امانت داری نموده و آنها را برخلاف منافع عمومی، به نفع خود تصاحب ننموده و بهره‌برداری نامشروع ننمایند. از نقاط آسیب پذیر مهم دیگری که منجر به بروز مفاسد و جرایم اقتصادی می‌شود وجود انحصارات در سامانه‌های مختلف ساختار حاکمیت می‌باشد که اغلب از آن به عنوان رانت یاد می‌نمایند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مفاسد و جرائم اقتصادی که از یک سو ناشی از تهدیدها عوامل و عناصر خارجی و از سوی دیگر ناشی از نا کارآمدی مدیریت اقتصاد داخلی است، اغلب منجر به بروز فقر، محرومیت و عقب ماندگی می‌گردد. به نظر می‌رسد این موضوع در مدل مفهومی ذیل به نحو مناسب تری قابل ادراک و فهم خواهد شد:



روندی که در الگوی مفهومی بالا به تصویر کشیده شد در صورتی تحقق پیدا خواهد کرد که مجموعه مدیریتی نظام و حاکمیت فاقد قابلیت و توانمندی لازم در ساماندهی امور اقتصادی بوده و توجه جدی به تهدیدات و آسیب پذیری ساختارهای دولت و جامعه نداشته و از آثار حتمی چنین وضعیتی غافل شوند.

مهمترین مصادیق و عناوین فساد و جرم اقتصادی:

مصادیق و عناوین جرائم اقتصادی در متون حقوقی بسیار نادر و انگشت شمار است زیرا در این معنا جرم اقتصادی تنها شامل مواردی می شود که قانون گذار برای آن مجازات تعیین کرده است. ولی در عرف اجتماعی عناوین و مصادیق مفاسد و جرائم اقتصادی شامل موارد متعددی است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد. برخی معتقدند هرگاه یک کار گزار، قانون را به نفع شخصی خود و با قربانی کردن منافع حاصله از یک اصل حقوقی نقض کند، فساد رخ داده است، برخی از مهمترین مفاسد و جرائم اقتصادی عبارتند از:

۱. دریافت تسهیلات غیر مجاز بانکی
۲. عدم ایفای تعهدات پس از دریافت تسهیلات بانکی
۳. تبانی و اهمال در نظارت بر اعطاء تسهیلات بانکی و کنترل بر عدم انحراف آنها

۴. پولشویی

۵. رشاء و ارتشاء

۶. اختلاس (بویژه در نزد مدیران ارشد دستگاه دیوانسالاری و دیوانسالاران)

۷. دخالت در معاملات دولتی و مناقصه‌ها و مزایده‌ها

۸. تبانی و تقلب در پرداخت حقوق و عوارض گمرکی

۹. دریافت پورسانت در معاملات دولتی

۱۰. فرار مالیاتی

۱۱. عدم دریافت مالیات و سایر حقوق دولت از مؤدیان مالیاتی

۱۲. بهره‌برداری نامشروع از اطلاعات موجود در سیستم دولتی به نفع شخصی برای فعالیتهای

اقتصادی توسط کارکنان دولت

۱۳. تصرف غیر قانونی در اموال دولتی

۱۴. تقلب و تبانی در گشایش اعتبارات ارزی

در ادبیات علوم اجتماعی مجموعه جرایم فوق را با عنوان جرائم یقه سفیدان می‌نامند. (حاجیان، ۱۳۸۴: ۴۹۴) زیرا اغلب این جرایم و مفاسد توسط صاحبان قدرت و ثروت بواسطه رانت اطلاعاتی و داشتن روابط نزدیک با متولیان جریان اقتصاد و درآمدهای دولت صورت می‌گیرد. تجربیات قضات و ماموران پلیس مبارزه با جرایم اقتصادی در رسیدگی به پرونده‌های مفسدین اقتصادی حاکی از آن است که جرایم و مفاسد اقتصادی به تنهایی رخ نمی‌دهند و شکل‌گیری آنها مستلزم ارتکاب مجموعه‌ای از جرایم توسط مجرمان اقتصادی می‌باشد. مثلاً اخذ تسهیلات غیر مجاز بانکی یا عدم ایفای تعهدات بانکی یا تصرف غیر قانونی در اموال دولتی یا تقلب در مزایده و مناقصه‌های دولتی و... که از سوی افراد حقیقی رخ می‌دهد، مستلزم شکل‌گیری مفاسد دیگری مانند رشاء، خیانت در امانت، تبانی، اهمال و... از سوی کارکنان دولتی است.

پدیده رانت و رانت خواری نیز که از آن به تبعیض در توزیع منابع، امکانات و فرصتهای ویژه ای که دیگران در شرایط مساوی از آن برخوردار نیستند یاد شده از مفاسدی است که در شکل

گیری مفاسد و جرایم اقتصادی نقش برجسته ای دارد.

پولشویی یکی از مصادیق نسبتاً جدید جرایم اقتصادی است که در سنوات اخیر از اهمیت ویژه ای در عرصه بین المللی برخوردار گشته است. در پروسه پولشویی عواید نامشروع بشکلی مرموز و پیچیده وارد روابط مشروع مالی و تجاری می شود، به تدریج چهره واقعی اقتصاد که مبتنی بر مشروعیت و قانون مداری است، کم رنگ می گردد و نه فقط آثار و نتایج جرم در این فرآیند هضم می شود، بلکه عملاً قسمتی از اقتصاد به خدمت پولشویان و سازمان های بزهکار در می آید و سود سرشاری عاید آنها می سازد. (عالی پور، ۱۳۸۵: ۳۵۶) این جرم اغلب توسط گروه های سازمان یافته و تبهکار انجام می شود که موفقیت در آن مستلزم طی فرآیندهای پیچیده ای است که مجال طرح فرآیند مذکور در مقاله فراهم نیست. اجمالاً اینکه توسعه چنین جرمی ناشی از ناکارآمدی نظامات یک کشور در مقابله با آن است.

تیپ شناسی مجرمان اقتصادی:

در یک دسته بندی کلان در مورد مجرمان مالی و اقتصادی که طیف متنوعی از مجرمان را به خود اختصاص می دهند با دو دسته کلی مواجه هستیم که شامل مجرمان خرد و مجرمان کلان می باشند. این مطلب را از این جهت مطرح نمودیم که تفاوتی اساسی از جهات مختلف (ویژگی ها، ابزارها، روشها و اهداف) بین این دو دسته وجود دارد.

دسته اول یا همان مجرمان خرد اقتصادی را با کمی اغماض می توان شامل سارقین منازل، خودروها، قاچاقچیان خرده پای کالا، اختلاس کنندگان مبالغ کم، برخی کلاهبرداران غیر حرفه ای، و... دانست. بررسیها بیانگر آن است انگیزه اینگونه مجرمین در ارتکاب جرایم مذکور عواملی چون بیکاری، فقر مالی و فرهنگی می باشد و این مجرمان بدون سازماندهی و طراحی های پیچیده قبلی و صرف هزینه های گزاف، و تنها به خاطر تامین حداقل های زندگی روزمره دست به چنین اعمالی می زنند. بررسیها بر روی آثار اقدامات این دسته از مجرمین نشان دهنده آن است که رفتار مجرمانه آنها اغلب منجر به آسیب های خرد و فردی در جامعه می شود. این جرایم علیرغم فراوانی زیاد و گستره و دامنه وسیعی که در

جامعه دارند آثار عمیقی در سطح اجتماعی از خود بجای نمی گذارند. به نظر می رسد این جرایم معلول ضعفها، کاستی ها و جرائمی است که در سطوح بالای مدیریت اقتصادی کشور صورت می گیرد.

دسته دوم یا مجرمان کلان اقتصادی اغلب شامل افراد و گروههایی است که برای دستیابی به اهداف نامشروع خود از رانت های مختلف سیاسی، اقتصادی، ناشی از برقراری روابط با صاحبان قدرت و نفوذ در دستگاههای متولی منابع اقتصادی، بهره گیری نموده و موجب ایجاد انحراف در منابع اقتصادی دولت می شوند. منابعی که دولتها اغلب آنها را با اهداف توسعه بویژه در تولید و اشتغال به گردش در می آورند. بررسیهای تجربی بر روی مجرمان کلان اقتصادی حاکی از آن است اینگونه مجرمین اغلب به علت زیاده خواهی های بی منطق دست به چنین اعمالی می زنند. آنها برای رسیدن به جایگاههای اجتماعی کاذب و فخر فروشی های نامناسبی که در بین زراندوزان رایج است حاضر به هزینه های گزاف می شوند. آثار اقدامات مجرمانه آنها منجر به فجایع، جرایم و آسیبهای گسترده و در عین حال عمیقی در سطح جامعه می شود. این جرایم را می توان علت موجه بسیاری از جرایم و مفاسد خرد دیگر قلمداد نمود. مثالی در این زمینه می تواند مبین کارکردهای مفاسد اقتصادی و روشنگر این ادعا شود. دولتها و بویژه دولتهایی که دارای منابع و امکانات خدادادی زیاد هستند غالباً برای ایجاد توسعه، افزایش تولید و اشتغال و مهار بیکاری با طراحی سیاستهای حمایتی در عرصه فعالیتهای اقتصادی، سعی دارند با تزریق منابع در اختیار، به روند مذکور کمک نمایند. وقتی عده ای با سوء استفاده از منابع مذکور موجب انحراف سیاستهای حمایتی می شوند و منابع مورد نظر را در مسیر اهداف شخصی خود که هیچ کمکی به افزایش تولید و اشتغال نمی کند، صرف می کنند، دو آسیب جدی به بدنه جامعه وارد می نمایند. از یک سو مانع تولید شغل شده و موجبات افزایش بیکاری را در جامعه فراهم می کنند و از سوی دیگر موجب بروز تورم در جامعه شده قدرت خرید مردم و بویژه طبقات ضعیف را کاهش می دهند. نتیجه بوجود آمدن چنین شرایطی می تواند موجب ظهور جرایم و تخلفات زیادی در سطح جامعه شود از جمله آنها ارتکاب جرایم

خردی است که به اختصار در مورد آنها مطالبی را بیان نمودیم. بنابراین مفسدین و مجرمان کلان اقتصادی را می‌توان مولد تعداد زیادی از مجرمین خرده پا قلمداد نمود.

عوامل شکل‌گیری مفاسد و جرائم اقتصادی:

قطعاً عوامل متعدد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... در ظهور و بروز مفاسد و جرائم اقتصادی موثر و دخیل هستند که امکان برشماری همه آنها در این مجال مختصر نیست. محققان و صاحب نظران در این زمینه به عوامل موثر بسیاری اشاره داشته‌اند رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: اگر دست مفسدان و سوء استفاده کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیاز طلبان و زیاده خواهان پر مدعا و انحصار جو طرد نشوند سرمایه گذار و تولید کننده و اشتغال طلب همه احساس ناامنی و نومییدی خواهند کرد و کسانی از آن به استفاده از راه‌های نامشروع و غیر قانونی تشویق خواهند شد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۰) در این بیانات امتیاز طلبی و زیاده خواهی از مولفه‌های مهم و از عواملی تلقی شده که برخی افراد و گروه‌های انسانی را به راه‌های نامشروع و غیر قانونی که از آن به فساد و جرم اقتصادی یاد کردیم، می‌کشاند.

برخی واقعیت‌های اجتماعی حاکی از آن است که افراد در روند زندگی روزمره فردی و اجتماعی خویش، اغلب پیش از آنکه به فکر منافع و مصالح دیگران باشند، در پی دستیابی به مقاصد و منافع شخصی خود هستند. بویژه افرادی که فاقد ویژگی‌های والای انسانی و اخلاقی بوده و یا از این خصلت ارزشمند کم بهره باشند، بیشتر از دیگران دچار این رفتار خود بینانه خواهند بود. برخی محققان معتقدند معنای این گزاره این نیست که آنها منافع جمعی را نادیده می‌گیرند بلکه به این معناست که آنها همواره منفعت شخصی شان را در اولویت قرار می‌دهند. (خضری، ۱۳۸۱: ۱۲) این موضوع در مورد مدیران و کارکنان دولتی که دسترسی مستقیم به منابع پولی و مالی دولت و بیت المال داشته و مسئولیت مدیریت و نظارت بر فرآیند تولید، نگهداشت، توزیع و مصرف منابع و سرمایه‌ها به آنها سپرده شده است، صدق می‌کند. برخی از فعالان سیاسی و اجتماعی، علل و عوامل فساد آفرین اقتصادی در کشور را

ناشی از موارد متنوع و گوناگون می‌دانند که برخی از مهمترین آنها را شامل تبذیر و اسراف مسئولان، نابرابری، بی‌عدالتی، فاصله طبقاتی، عدم تطبیق درآمدها، محدود نمودن راههای کسب و درآمد حلال، عدم همکاری و هماهنگی بین قوا، نهادها و ارگانها، ضعف نظام اداری، اجتماعی، اقتصادی و بی‌کفایتی حرفه‌ای، عادی شدن تخلفات جزئی، فراهم شدن زمینه فعالیت برای افراد ناصالح، ناکارآمد بودن و ضعف مدیریت نهادهای متصدی در برخورد با ناهنجاری‌ها و قانون شکنان، کم بودن میزان مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، حاکم نبودن قوانین شفاف، نهادینه نشدن نظارت و کنترل در همه سطوح، عدم بهره‌گیری از کارشناسان دلسوز نظام در مراکز تصمیم‌گیری مهم خصوصاً اقتصادی، عدم رعایت منع کارمندان در معاملات دولتی، وجود دستگاههای عریض و طویل ناکارآمد، عدم کارشناسی کافی در طرحهای مهم دولتی، عدم اجرای قوانین مقررات و ضوابط، دست و پاگیر بودن راههای قانونی، شفاف نبودن برخی از مناقصه‌ها و مزایده‌ها، پرداختهای غیرقانونی از منابع و درآمدهای مبهم، عدم کنترل مالی و وجود حجم عظیم پول سیاه در بعضی دستگاهها، بوجود آمدن شرکت‌های وابسته و شرکت‌های دولتی با هویت دوگانه، عدم عزم در وصول مطالبات معوق دولتی از سازمانها، مشکلات نظام مالیاتی و گمرکی کشور، رها کردن گلوگاههای اصلی، بهره برداری از مأموران ناآشنا و آموزش ندیده، مشکلات نظام بانکی و پولی کشور، بروکراسی‌های پیچیده، دفاع متعصبانه و مطلق مسئولین از زیرمجموعه خود، بسته بودن اطلاعات و عدم دسترسی به اطلاعات واقعی، فقدان امنیت شغلی و توهم عدم امنیت، حمایت‌های حزبی، باندی و گروهی از متخلفان، عدم برخورد جدی با متخلف و ضعف نظام کیفری و قضایی، پایین بودن سطح معیشت و نبودن نظام تأمین اجتماعی مناسب و کارآمد. <http://motalefeh.org> می‌دانند.

یکی از عوامل و بسترهای بروز جرائم و مفاسد اقتصادی تأمین هزینه فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی برخی از افراد و گروهها می‌باشد که قصد ورود در این میدان را دارند. به تعبیر بهتر برخی افراد و گروهها، فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی را پوششی برای اقدامات مجرمانه خود قرار می‌دهند. این مسئله در جامعه‌ی ما بطور محسوس قابل تامل و تحلیل است. ذکر

مثالی در این زمینه می‌تواند به درک این واقعیت تلخ کمک نماید. وقتی فردی آماده می‌شود خود را در عرصه‌ای مثل نمایندگی مجلس مطرح نماید بطور طبیعی نیاز به فرد یا مجموعه‌ای افراد دارد تا او را برای رسیدن به این مهم یاری دهند و به تعبیر رایج در عرف انتخاباتی صحنه گردان ستاد انتخاباتی او شوند و او را در پیروزی در عرصه رقابتهای انتخاباتی کمک کار باشند. طبعاً این افراد بی‌جهت و بدون چشم داشت از او وارد این فعالیتها نمی‌شوند لذا در پی دستیابی به اهدافی هستند که یک نماینده مجلس پس از به قدرت رسیدن می‌تواند آن اهداف را برآورده نماید. تجربه حاصل از بررسی این فرآیند حاکی از آن است که این افراد با استفاده از رانت ناشی از ارتباط نماینده مجلس با دستگاههای اجرایی کشور می‌توانند روند دستیابی به امتیازات مختلف را تسهیل نمایند. ذکر مثالی که مصادیق بسیار زیادی دارد می‌تواند روشنگر این ادعا باشد. در شرایط گذشته نزدیک و فعلی اقتصاد کشور، فردی که می‌خواهد به تسهیلات بانکی ناشی از درآمدهای نفتی و... دست پیدا کند به سادگی نمی‌تواند به هدف خود نائل شود. او ناچار است ابتدا در قالب فعالیتهای تولیدی و تجارت، طرحی تولیدی یا تجاری را محمل کار خود نماید لذا به واسطه رانت ناشی از ارتباط با نماینده مجلس به دستگاههایی همچون سازمان صنایع و بازرگانی مراجعه و متقاضی دریافت مجوز برای فعالیت در این عرصه می‌شود. پس از سپری نمودن پروسه‌ای که در روند بروکراسی موجود در ساختار دیوانی جامعه وجود دارد مجوزهای لازم را اخذ و باز با لابی‌های مختلف با پوشش مذکور به منابع کلان بانکی دست پیدا می‌کند و بجای آنکه در عرصه تولید و اشتغال که متأسفانه در شرایط فعلی نرخ ریسک آن زیاد است، فعال شود، تسهیلات را در اموری که تنها نفع شخصی آن قابل توجه است، هدایت و بکارگیری می‌نماید. یکی از آن عرصه‌ها در سنوات اخیر بخش زمین و مسکن شهری بوده است که منافع سرشاری را نصیب مفسدین اقتصادی کرده است.

آنچه در این زمینه نقش اساسی و کلیدی در شکل‌گیری مفاسد و جرایم کلان اقتصادی دارد ناکارآمد کردن نقش کنترلی و نظارتی افراد و دستگاههای ذیربط می‌باشد. مفسدان اغلب با آلوده کردن افراد و گروههای ذینقش در این زمینه مانع از تحقق اهداف نظارتی و کنترلی

شده و در هزینه شدن صحیح تسهیلات انحراف ایجاد می‌کنند.

برخی اندیشمندان نیز عوامل موجد فساد اقتصادی را به دو دسته نهادی و غیر نهادی تقسیم نموده، عواملی چون مشکل کارفرما-کارگزار، ناکارایی و فساد اداری، رانت جویی و فساد اداری، فسادسیاسی و فساد اداری و ناکارآمدی نظارت را تحت عنوان عوامل نهادی... و عواملی مانند نظام انگیزشی مخدوش، کاهش سرمایه اجتماعی، حقوق و مزایای ناکافی، نزدیک بینی نسبی بروکراتها، بیگانه بودن بروکراتها با سازمان، نارسایی در فرآیند ارتقاء و انتصاب (خضری، ۱۳۸۱: ۱۳) را تحت عنوان عوامل غیر نهادی بطور مفصل مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند که به منظور رعایت اختصار از توضیح بیشتر خود داری می‌شود.

کارکردهای فساد و جرم اقتصادی بر امنیت اقتصادی و ملی:

اگر قانون مداری و کارآمدی را از نشانه‌های حاکمیت‌های باثبات و دارای امنیت پایدار بدانیم، بطور طبیعی توسعه و افزایش فساد و جرم در جامعه که از مظاهر اصلی قانون‌گریزی و ناشایسته‌سالاری است، از علائم مشخص دولت‌ها و ملل ناکارآمد و فاقد نظم خواهند بود. بروز و ظهور جرائم و مفاسد اقتصادی در جوامع، از مظاهر بدیهی نقش کارکنان دولت و دست‌اندرکاران حکومتی در این زمینه است که آثار غیر قابل انکار بر عرصه اقتصاد کشور و امنیت اقتصادی مردم دارد.

مطابق برخی رویکردهای موجود در عرصه سیاست و امنیت، هدف امنیت اقتصادی بسط مقرراتی است که سبب پویایی عوامل تولید در میان اقتصادهای ملی (بوزان، ویور و ویلد، ۱۳۸۶: ۱۵۲) می‌شود. لذا گسترش فساد و جرائم اقتصادی که ناشی از نادیده گرفتن نظامات و مقررات موضوعه در جریان پولی و مالی کشور و مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده جریان عمومی امور را به مخاطره می‌اندازد.

همانگونه که در مباحث بالا در باره تعریف و تبیین چارچوب مفهومی امنیت اقتصادی توضیح داده شد، ایجاد بسترهای تامین نیازهای رفاهی جامعه، جزو حداقل‌های انتظارات

اجتماعی از کارکرد حاکمیت هاست. طبعاً هنگامی که دولتها به دلایل گوناگون و بویژه به دلیل رواج مفاسد و جرایم گسترده اقتصادی و بروز اخلال در نظام تولید، توزیع و مصرف از عهده تامین حداقل‌های مذکور بر نمی آیند و از پاسخگویی به مطالبات منطقی اقشار مختلف جامعه عاجز هستند، فاقد امنیت اقتصادی محسوب می شوند و به مجموعه ای ناکارآمد در نظر مردم و نخبگان تبدیل می شوند. به هر حال حاکمان مزبور مقبولیت و مشروعیت خود را نزد آحاد مردم از دست می دهند، بدین صورت زمینه برای روی آوردن جامعه به روشها و مراجعی دیگر برای تامین خواسته‌های خود فراهم می شود. در صورت توسعه و گسترش چنین وضعی جامعه سازوکارهای انسجام بخش خود را از دست می دهد، دچار بحرانهای دیگری چون توزیع، مشارکت و مشروعیت خواهد شد آنگاه امنیت ملی کشور بطور جدی دچار تزلزل می شود.

نتیجه طبیعی توسعه چنین وضعی بی اعتمادی فزاینده مردم و نخبگان به توانایی و مشروعیت دولت و حاکمیت خواهد بود.

اندیشمندان، آثار فساد اقتصادی را که بطور مستقیم امنیت ملی کشور را متاثر می سازد شامل فروپاشی سیستم سیاسی، ناکارآمدی سیاستهای نظام، عقب ماندگی کشور، پرورش سازمانهای رعب آور مافیایی، ضعف حاکمیت و عملکرد آن، اخلال در اجرای قانون، هرج و مرج، بی ثباتی، جرم و جنایت بیشتر - فقر - محرومیت، گسترش اقتصاد زیرزمینی و کاهش سطح درآمدهای دولت فرار سرمایه و فکر از مملکت، نامتعادل شدن کل نظام، عدم اقتدار و بروز خلاء و نبود انضباط اجتماعی که باعث بروز ظلم گردد ... کاهش وفاداری و اعتماد مردم به نظام، شکنندگی نظام در برهه‌های حساس و بی ثباتی سیاسی، تردید در مقبولیت نظام اقتصادی و اقتصاد سیاسی کشور و در نهایت مشروعیت سیاسی نظام (<http://motalefeh.org>) می دانند.

فساد در سطح بالا را یکی از بهترین علامات عدم مشروعیت دانسته، معتقدند معمولاً سقوط رژیم‌های سیاسی، ... با فساد عمومی همراه است. (دوگان، ۱۳۷۸: ۲۷۷) بدین شکل فعالیتهای حکومت در عرصه اقتصاد که باید واجد کارکردهای مثبت باشد و موجب افزایش و ارتقای

سطح مشروعیت و در نهایت تامین حداکثری امنیت ملی در جامعه شود، کارکرد منفی، ناکارا و حتی ضد کارا از خود بروز داده موجب تضعیف سطح امنیت می شود

نتیجه گیری:

- از آنچه در سطور و صفحات بالا ذکر شد می توانیم این گونه نتیجه گیری کنیم :
۱. در دوران اخیر ، اقتصاد کارکرد های مثبت و منفی متنوعی در حوزه امنیت - اعم از ملی و فراملی - داشته و به واقعیتی انکار ناپذیر تبدیل شده است. مباحث اقتصادی علی رغم ماهیت پولی و مالی آن ، به طور چشمگیری در مطالعات سیاسی و امنیتی گسترش یافته است.
 ۲. مولفه ها و موضوعات اقتصادی واجد تهدیدها و فرصتهای قابل ملاحظه و غیر قابل اجتناب در عرصه های مختلف اجتماعی هستند، لذا شایسته است که مدیرانم و مسئولان در این زمینه توجه جدی داشته باشند .
 ۳. ظهور و بروز جرائم و مفاسد اقتصادی در جامعه و فعالیتهای اقتصادی آن امری اجتناب ناپذیر است و در صورت توسعه و افزایش آن، روند فعالیتهای سالم اقتصادی تحت تأثیر قرار می گیرد و جریان تولید ، توزیع و مصرف با اخلال مواجه می شود، لذا نقش حکومت در کنترل و مهار آنها تعیین کننده است.
 ۴. غفلت و بی توجهی به کارکردهای جرائم و مفاسد کلان اقتصادی، آسیبها و تهدیدهای قابل توجهی در پیش روی نظام اقتصادی جامعه قرار می دهد و ضمن تضعیف امنیت اقتصادی ، موجب تولد مجرمین و مفسدانی خواهد شد که خود علت اصلی بروز حجم زیادی از مجرمین خرد می شوند که از مظاهر نا امنی عمومی در جامعه محسوب می شوند.
 ۵. تضعیف امنیت اقتصادی که از مظاهر ناکارآمدی دولت و حاکمیت است آثار زیانباری بر مقبولیت و مشروعیت آنها داشته امنیت ملی کشور را به مخاطره می اندازد. لذا توجه مستمر به جریانهای مالی و پولی جامعه از وظایف مهم مدیران عالی کشور می باشد.

فهرست منابع

۱. بوزان، باری، ویور، آل و ویلد، پاپ دو (۱۳۸۶) چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲. بوزان، باری (۱۳۷۸) مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۳. تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳) مطالعات امنیتی نوین، مترجم علیرضا طیب و وحید بزرگی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
۴. توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹) نظریه های جامعه شناسی، انتشارات سمت
۵. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴) جرایم سازمان یافته، مفهوم، مدل‌ها و تاثیرات آن بر ثبات سیاسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره سوم
۶. خامنه ای، سید علی (۱۳۸۰) پیام هشت ماده ای در مورد مبارزه با مفسد اقتصادی، دفتر مقام معظم رهبری
۷. خامنه ای، سید علی (۱۳۸۳) سخنرانی در دیدار دانشجویان در ماه مبارک رمضان، لوح فشرده ساقی مهر، انتشارات مرکز فرهنگی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها
۸. خضری، محمد (۱۳۸۱) بررسی علل ایجاد و گسترش فساد در نظام بانکی کشور، گزارش پژوهشی شماره ۶۶-۲-۱-۲-۱۳۸۱، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۹. خضری، محمد (۱۳۸۴) تحلیل نهادی فساد اداری، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره سوم
۱۰. خلیلیان، محمد جمال (۱۳۸۴) شاخصهای توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۱۱. دوست یاری، محمد و نوربخش، مصطفی (۱۳۸۵) بررسی عوامل محیطی در فرآیند تدوین استراتژی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۲۵ و ۲۶
۱۲. دوگان، متی (۱۳۷۸) دیدگاههای مختلف نسبت به مسئله مشروعیت، در کتاب گزیده مقالات سیاسی - امنیتی، جلد دوم، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات

پژوهشکده مطالعات راهبردی

۱۳. ربیعی، علی (۱۳۸۳) زنده باد فساد، جامعه‌شناسی سیاسی فساد در دولت‌های جهان سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم
۱۴. ربیعی، علی (۱۳۸۳) مطالعات امنیت ملی مقدمه ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم، انتشارات وزارت امور خارجه
۱۵. ره پیک، حسن (۱۳۸۵) مباحث کلاسی در س ابعاد و مظاهر تهدیدات، دانشگاه عالی دفاع ملی
۱۶. ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی
۱۷. شفیع خورشیدی، علی اصغر (۱۳۸۶) فساد اقتصادی و روش‌های پیش‌گیری از آن، نشریه الکترونیکی مرکز مطالعات توسعه قضایی
۱۸. عالی پور، حسن (۱۳۸۵) پولشویی، تهدیدی علیه امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، تابستان ۱۳۸۵
۱۹. عباس زادگان، سید محمد (۱۳۸۳) فساد اداری، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی
۲۰. عسگری، محمود (۱۳۸۳) درآمدی بر اقتصاد سیاسی امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره اول
۲۱. عشاوی، سعد الدین محمد (۱۳۸۶) مروری بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی، مترجمان محمد رضا نصرالهی وسید عیسی حسینی، انتشارات کارآگاه وابسته به پلیس آگاهی ناجا
۲۲. عمید، حسن (۱۳۷۶) فرهنگ فارسی عمید، جلد دوم، انتشارات امیر کبیر
۲۳. عمید، حسن (۱۳۶۳) فرهنگ فارسی عمید، تک جلدی، انتشارات امیر کبیر
۲۴. عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۶) امنیت جمهور اسلامی ایران در فرآیند جهانی شدن، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره ۷۹ و ۸۰
۲۵. ماندل، رابرت (۱۳۷۹) چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی

انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

۲۶. نوروزی، محمد تقی (۱۳۸۵) فرهنگ دفاعی - امنیتی ، انتشارات سنا، تهران

۲۷.(-) مفهوم شناسی امنیت، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

28. [http://motalefeh.org\(1387\)/motaleat/archive/94.htm](http://motalefeh.org(1387)/motaleat/archive/94.htm)

29. <http://www.mgtsolution.com/olib/159709864.aspx>